

درباره اعتصاب دوباره کارگران هفت تپه

بدنبال تعرض دوباره و اقدام گستاخانه کارفرمای مجتمع نیشکر هفت تپه مبنی بر اخراج حدود 20 کارگر این واحد تولیدی، دور جدیدی از اعتصاب، از اول مهر ماه این شرکت را فرا گرفت. تداوم این اعتصاب و تجمعات اعتراضی کارگران و سخنرانی های افشاگرانه ای که در این تجمعات ایراد می شود -که برخی از فیلم هایش در شبکه های اجتماعی وسیعا منتشر شده- بار دیگر مبارزات کارگران مبارز مجتمع کشت و صنعت هفت تپه را به تیر خبری خیرگزاری های جمهوری اسلامی بدل ساخت و پایداری آنان در کسب مطالبات طبیعی شان را به نمایش گذارد.

نهاد های امنیتی جمهوری اسلامی که به تجربه می دانند، تداوم این حرکت همچون مبارزات قبلی کارگران هفت تپه ممکن است با پشتیبانی کارگران و دانشجویان و سایر افشار محروم در سطح سراسری مواجه شود، با بازداشت و فراخواندن چهل تن از کارگران به پلیس امنیت شهر شوش، به این اعتراض کارگری پاسخ دادند. نهادهای امنیتی تلاش دارند با امنیتی کردن فضا، کارگران را از پیوستن به این اعتصاب باز دارند. در این راستا، آنها حتی از دستگیری اعضای "شورای اسلامی" مجتمع هفت تپه که نهادی رژیم ساز می باشد هم دریغ نوزیدند. تا آنجا که مزدور معلوم الحالی چون علیرضا محجوب رئیس فراکسیون کارگری مجلس جمهوری اسلامی در جلسه علنی مجلس به بازداشت اعضای این "تشکل قانونی" اعتراض نموده و "خواستار پیگیری این موضوع از سوی مجلس و دستگاه های مرتبط" شد.

واقعیت این است که در موج جدید اعتراضات کارگری در هفت تپه اعضای "شورای اسلامی" دست ساز رژیم، تلاش نمودند تا با نصب بنرهای حاوی عکس مسئولینی همچون خامنه ای، رئیسی و قاسم سلیمانی اعتراضات کارگری را تحت کنترل خود در آورده و آن را به یک حرکت تظلم خواهی از جنایتکاران حاکم بدل نمایند. اما اوضاع جمهوری اسلامی آنچنان متزلزل و بحرانی است که مقامات امنیتی حتی تحمل ریسک ناشی از فعالیت های اعضای "شورای اسلامی" دست ساز خودشان که جهت فریب کارگران مجبورند گاه تا حدی هم رنگ با آنها شوند را نیز ندارند. به خصوص که رهبر جنایتکار رژیم هم تاکید کرده بود که نباید اجازه داد که قضایایی که در اراک و خوزستان پیش آمده رخ دهد. یا رئیسی مسئول قوه قضائیه جمهوری اسلامی تاکید نموده که مشکلات کارگران و اعتراضات آنها "باید پیش از آن که جنبه قضایی یابد، توسط دولت و مجلس شنیده و حل و فصل شود، ... این اعتراض ها باید در وقت خود شنیده شود و اساسا نباید اجازه داد کار به این جا بکشد". اما به رغم این رهنمود ها کار عملا "به این جا" کشید! و کارگران بار دیگر با خواباندن تولید و تجمع در مقابل درب مجتمع کشت و صنعت هفت تپه هم به این اخراج ها اعتراض نمودند و هم خواهان خواست های پاسخ داده

نشده خود شدند. پرداخت دستمزدهای معوقه و لغو خصوصی سازی و واگذاری شرکت به بخش دولتی و مهم تر، آزادی همه کارگران زندانی از دیگر خواست های کارگران است که در تجمعات آنها فریاد زده می شوند.

واقعیت تداوم مبارزات کارگران هفت تپه، بار دیگر نشان داد که همه وعده های کارفرما و مسئولین دولتی در فاصله تجمعات قبلی تا اعتصاب اخیر دروغی بیش نبوده و کارفرما و مسئولین دولتی که دست در دست وی دارند علیرغم همه وعده هایشان هنوز هم از پرداخت دستمزدهای کارگران در زمانبندی تعیین شده خودداری نموده و به رغم این که وعده داده می شد که کارگری را اخراج نخواهند کرد، منتظر فرصتی بودند تا به خیال خود با فروکش مبارزات کارگران، دسته دسته از آنها، اخراج کنند. در رابطه با این اخراج ها در صفوف کارگران هفت تپه، این خبر شدیداً شایع است که کارفرما قرار است، نزدیک به 150 کارگر دیگر را نیز اخراج کند تا به خیال خام خود انتقام مبارزات پرشکوه کارگران را از آنها بگیرد.

در رابطه با موج جدید اعتصابات کارگران هفت تپه که هنوز هم ادامه دارد، ذکر دو نکته ضروری است. اولاً نصب بنرهایی حاوی تصاویر مسئولین جمهوری اسلامی و سخنرانی برخی از دست نشانندگان رژیم در این تجمعات انعکاس تلاش بی وقفه نیرو های دولتی جهت به انحراف کشاندن مبارزات کارگران بوده و آنها به این طریق می کوشند مبارزه بر حق کارگران جهت رسیدن به مطالباتشان را به تظلم خواهی از جلالدان حاکم بدل نمایند و در این مسیر آن را به هرز ببرند، امری که کاملاً به ضرر کارگران می باشد. کارگران آگاه باید بکوشند تا جایی که امکان دارد چنین نیرو هایی را ایزوله کرده و با تاکید بر تجربه مبارزات شان نشان دهند که از وعده و وعیدهای کارفرما و مقامات دولتی که دست شان در دست کارفرما می باشد و با دادن وعده و وعید، خواهان پایان مبارزات کارگران می گردند، چیزی عاید کارگر نخواهد شد. همانطور که در چند سال گذشته کارفرما و مقامات دولتی به هیچ کدام از وعده های خود عمل نکردند. در این میان تاکید کارگران پیشرو بر ضرورت اتحاد امر درستی است که اتفاقاً مبارزه با ایدای کارفرما در میان کارگران را برجستگی بیشتری می بخشد.

نکته دوم این است که کارگران باید بدانند که خواست بر حق مخالفت با خصوصی سازی و بازگشت مالکیت کارخانه به دولت به خودی خود و در دراز مدت دردی از دردهای بی شمار آنها را درمان نمی کند. چرا که اولاً در حال حاضر عملکرد کارخانه هائی که در دست دولت می باشند نیز همچنان علیه کارگران می باشد. اما توجه به این امر ضروری است که سیاست خصوصی سازی رهنمود دو نهاد امپریالیستی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به جمهوری اسلامی و نه تنها به این رژیم بلکه به بیشتر رژیم های وابسته می باشد و رژیم هایی نظیر جمهوری اسلامی به دلیل همین وابستگی خود به امپریالیست ها و وظیفه شان در حراست از منافع سرمایه داران بومی و اربابان بین المللی شان مجبور به پیشبرد این رهنمودها می باشند. تئوریسین های بورژوازی این گونه جلوه می هند که گویا کسب سود هر چه بیشتر از جانب سرمایه داران (و البته به قیمت تحمیل مصیبت های جانکاه به کارگران)، باعث گردش هر چه بیشتر سرمایه گشته و جهان سرمایه داری را از بحران های کنونی و

لاصلاح سیستم سرمایه داری، نجات خواهد داد. اما در عمل همانطور که کارگران ما شاهدند با اجرای سیاست خصوصی سازی، دست سرمایه داران در تشدید استثمار کارگران باز گذاشته شده و آنها امکان می یابند که کارگران شاغل در واحد خصوصی شده را به راحتی اخراج نمایند. هر چند واقعیت این است که تا زمانی که مناسبات سرمایه داری حاکم باشد، واحد تولیدی چه در مالکیت دولت باشد و چه در مالکیت بخش خصوصی، تغییری در استثمار کارگران و بهره کشی از آنها ایجاد نمی کند و این امر ستم ذاتی نظام سرمایه داری را تغییر نمی دهد، اما مبارزه برای لغو خصوصی سازی از طرف کارگران فشاری بر سیاست دیکته شده به جمهوری اسلامی از طرف اربابان امپریالیستش می باشد. در صورت تحقق این خواست کارگران، آنها به عینه خواهند دید که مشکل نه در شکل مالکیت کارخانه بلکه در ذات مالکیت خصوصی ذاتی نظام سرمایه داری می باشد. بنابراین، کارگران جان به لب رسیده ما در حالی که به درستی و در شرایط دیکتاتوری و فضای شدید امنیتی به واقع با قبول خطرهای امنیتی، برای تحقق خواست های روزمره خود مبارزه می کنند، باید بدانند که جهت اصلی مبارزات کارگران باید نابودی کل نظام سرمایه داری باشد که رژیم جمهوری اسلامی حافظ و حامی آن می باشد. با ارتقای هر چه بیشتر آگاهی کارگران بر بستر مبارزات جاری آنها، این امر درست در مقابل کارگران قرار خواهد گرفت که برای رسیدن به رهایی چاره ای جز مبارزه در راستای نابودی نظم ظالمانه سرمایه داری حاکم و تلاش برای رسیدن به سوسیالیسم ندارند.